

# بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

## امتحان علماء

مسئله وجوب امتحان علماء و مجتهدین بصریح آیات و احادیث اینکه سؤال فرموده بودید که آیا امتحان علماء و فقهاء و مجتهدین لازم است یا نه؟ در جواب آقایان معروض میدارد که امتحان علماء و مجتهدین دامت برکاتهم از الزم و اهم تکالیف مسلمین است و خداوند تعالی بمضمون آیات بسیار پیغمبران و رسولان خود را امتحان و اختیار فرموده چنانکه در سوره مبارکه ص میفرماید **و ظن داود انما فتناه** و ایضاً فرموده **و لقد فتننا سلیمان** و در خصوص حضرت موسی در طه میفرماید **و فتناک فتوناً** و در آیات متعدده مؤمنین و منافقین و صادقین و کاذبین را امتحان فرموده چنانکه در سوره عنکبوت میفرماید **و لقد فتننا الذین من قبلهم** و در سوره دخان فرموده **و لقد فتننا قبلهم قوم فرعون** و در انفال و تغابن میفرماید **انما اموالکم و اولادکم فتنه** و در انبیاء فرموده **و نبلوکم بالشر و الخیر فتنه** و در حج میفرماید **لیجعل الله ما یلقى الشیطان فتنه** و در سوره قمر فرموده **انا مرسل الناقة فتنه لهم** و در بنی اسرائیل میفرماید **الا فتنه للناس** و مراد از فتناء و فتنه در این آیات شریفه امتحان و اختبار است و صریح اینها آنست که خداوند تعالی این امت را و امتهای قبل از اینها را اختیار و امتحان فرموده و در بقره فرموده **و لنبلونکم بشئ من الخوف** و در

کهف میفرماید لَنْبَلُوهُمْ اِيَهُمْ احسن علماء ودر قتال فرموده و لَنْبَلُوكُمْ  
حتى نعلم المجاهدين و اما در قتال و نبلوا اخباركم و در صفات در ذبح  
اسمعیل میفرماید ان هذا الهو البلاء المبين و در دخان فرموده و اتيناهم  
من الايات ما فيه بلاء مبين و در بقره و ابراهيم و اعراف میفرماید  
و في ذلكم بلاء من ربكم عظيم و ترجمه و معنای نبلو و بلاء امتحان  
و اختیار است و تمیز دادن خوب از غیر مرغوب و امتیاز یافتن صادق  
از کاذب است و در عنکبوت بعد از آیه اول فرموده : **فليعلمن الله**  
**الذين صدقوا و ليعلمن الله الكاذبين** تا آنکه در آن سوره میفرماید  
**فليعلمن الله الذين آمنوا و ليعلمن المنافقين** و مفاد این دو آیه  
اینست که البته خداوند تعالی بسبب امتحان تمیز خواهد فرمود در  
میان صادق و کاذب و در بین مؤمن و منافق تا آن که صادقان از  
کاذبان و مؤمنان از منافقان معلوم شود و همه مردمان راستگویان  
را از دروغگویان و مؤمنین را از منافقین بشناسند و تمیز بدهند  
بسبب امتحان و در نمل فرموده **سننظر اصدقت ام كنت من الكاذبين**  
یعنی حضرت سلیمان بر هدهد فرمود آن وقتی که او خیر آورد  
از شهر سبا که باید ما نظر و تأمل بکنیم در آنچه خبر می‌دهی  
تا آنکه معلوم شود که تو راست می‌گوئی و یا دروغ می‌گوئی در خبر  
آوردن خودت و بعد از این فرمایش او را آنحضرت امتحان فرمودند  
و در حجرات میفرماید **اولئك الذين امتحن الله قلوبهم للتقوى**

و در سورة ممتحنه فرموده **يا ايهاالدين آمنوا اذا جائكم المؤمنات**  
**مهجرات فامتحنوهن** و در اول عنكبوت ميفرمايد **احسب الناس ان**  
**يتركوا ان يقولوا آمنا وهم لا يفتنون** و مفاد اين آيه اينست كه بايد  
مؤمنين امتحان بشوند و بمجرد اظهار ايمان از ايشان دست بر داشته  
نميشود و مضمون آيه سابق اينست كه زمانيكه اظهار ايمان كردند پس  
بايد آنها را امتحان بكنيد و بمجرد اظهار ايمان اكتفاء بايمان آنها  
نكنيد پس وقتيكه بصريح اين آيه شريفه امتحان اظهار كنندگان ايمان  
واجب شد بر مؤمنين حقيقي البته امتحان اظهار كنندگان علم و فضل  
و ادعا نمايندگان اعلميت و افضليت بعد از ايمان و عدالت و ديانت  
اوجب و الزم و اهم خواهد شد زيرا كه مدعي علم و اعلم شدن و حاكم  
شرع و مجتهد بودن ادعای زياده از ايمان و عدالت دارد و مدعي  
حكومت شرعيه است و ادعا كننده مقام مجتهد جامع الشرايط و نيابت  
امام عليه السلام است و اين آيه در وجوب امتحان علماء و فقهاء و مجتهدين  
بر مؤمنين و بر اولياء امور ملت و دولت دامت تائيداتهم كفايت  
ميكند علاوه بر آيات سابقه پس از اين آيات شريفه معلوم شد  
لزوم امتحان كسي كه اظهار تدين و صدق و تقوى و علم و اعلميت  
ميكند و وجوب امتحان كساني كه خبر از شرع انور و از احكام اسلام  
و از حلال و حرام ميدهد تا معلوم شود صدق و يا كذب او و لازم  
گردد اتباع و تبعيت او در صورت راستگو بودن او و واجب شود

احتراز و اعراض از او در فرض دروغگو شدن او و غیر اعلم گردیدن او و در احادیث صحیحه بسیار حضرات ائمه اطهار علیهم السلام امر فرموده اند که باید در احکام دین مبین رجوع شود بر اعلم وافقه و عدل و اورع چنانکه در کتب اربعه در حدیث ابن حنظله حضرت صادق علیه السلام فرموده حکم آنست که حکم بکند بر آن عدل وافقه و اصدق در حدیث گفتن و اورع در دین و در فقیه و تهذیب در حدیث ابن حصین آن حضرت فرموده که نظر میشود برافقه و اعلم بر احادیث ما و اورع حکم کنندگان و در تهذیب در حدیث ابن اکیل آن حضرت فرموده نظر میشود در حکم کنندگان برافقه و عدل ایشان در احکام دین خداوند تعالی پس حکم او ممضی میشود و در حدیث زراره به روایت مرحوم علامه حضرت باقر علیه السلام فرموده اخذ بکن بقول عدل و اوثق و در فقیه و تهذیب و علل الشرایع و عقاب الاعمال و محاسن از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت کرده اند که هر که پیشوائی بکند بر قومی و حال آنکه در میان آن قوم کسی هست که از او اعلم است امورات آن قوم بر سفال و خرف بر میگردد تا بروز قیامت و در کافی و تهذیب در روایت هاشمی از آن حضرت است که هر که بزند بشمشیر خود مردمان را و دعوت بکند ایشان را بریاست خود و حال آنکه در میان مسلمین از او اعلم پیدا میشود پس اوضال و متکلف است و آنکس مردمان را بضالالت و بمشقت واقع خواهد نمود و در احادیث بسیار افضل و اعلم بودن

پیشنماز را شرط فرموده‌اند و ذکر آنها باعث تطویل است پس از همه این احادیث معتبره معلوم شد وجوب رجوع بر افضل و اعلم در جمیع احکام حتی در نماز جماعت و اگر با وجود اعلم رجوع شود بر غیر اعلم امورات راجعه بدین و دنیای مردمان راجع میشود بر سفال و اضمحلال و اختلاف و در آیات بسیار عالم را تشبیه فرموده بزندگان و بینایان و جاهل را بمردگان و کوران و واضح است که عالم و فاضل نسبت بر اعلم و افضل جاهل است و زمانی که واجب شد رجوع بر اعلم و افضل با وجود عالم و فاضل بصریح آیات و احادیث مذکوره پس لازم میشود امتحان علماء و مجتهدین و فتوا دهندگان و حکم کنندگان اختیار و امتیاز متصدیان با حکام اسلام از حلال و حرام زیرا که اگر مجتهدین و علماء بلاد امتحان نشوند اعلم و افضل ایشان معلوم نمیشود و عالم از جاهل تمیز داده نگردد و بعد از امتحان **یکرم الرجل اویرہان** و چنانکه وجوب رجوع بر اعلم در شرع انور بصریح احادیث مذکوره ثابت است و محقق شده بحسب عقل و در نزد عاقلان نیز همینطور است زیرا که مردمان با عقل و باشعور همیشه امورات خود را بصاحب بصیرة و معرفت رجوع میکنند و اعلم بامور دنیا را بر غیر اعلم مقدم مینمایند پس عقلاً و شرعاً امتحان متصدیان امورات و احکام شرعیه واجب شد و این امتحان از اهم تکالیف مسلمین و از الزم واجبات مؤمنین گردید پس باید بزودی بنا بر تکلیف اسلامی هیئت دولت و وکلاء ملت باتفاق و

تصویب چند نفر از طراز اول علماء و مجتهدین امر فرمایند بامتحان  
علماء و مجتهدین در مرکز و ایالات و ولایات تا آنکه اعلم و افضل معلوم  
شود و بعد از معلوم شدن اعلم از غیر اعلم شروع فرمایند بر امتحان دیگر  
در میان اعلمها و افضلها و اعلم واقع گویان را و افضل واقع بیان کنندگان  
را از اعلم غرض گو و از افضل غیر واقع گویان امتیاز بدهند و صاحب غرض  
را و طالب نفع شخصی را تمیز فرمایند

**ای بسا ابلیس آدم روی هست پس بهر دستی نباید داد دست**  
و در این دو درجه امتحان جمیع امورات مردمان از امور دین و دنیا  
درست میشود و اختلاف کلمه از میان علماء و عوام برداشته گردد و این  
همه اختلافات بسیار و فتوی دهندگان بیشمار در اقطار و گوشه و کنار  
و اختلاف مذاهب و سرگردان ماندن مردمان در احکام اسلام و متعدد  
شدن رساله ها در هر زمان از جهت عدم امتحان علماء و مجتهدین شده  
و بلکه اضمحلال ملت و انحطاط قوه دولت و عدم قدرت رئیس مسلمین  
بدفع شرارت داخلی و عدم تمکن هیئت دولت اسلامیة برفع موانع خارجی  
بسبب عدم امتحان علماء بلاد اسلام گردیده

«( حرره الاحقر الارومی عرب باغی دهم ع ۱ )»